

نقش جمهوری اسلامی در ایجاد حلقه‌های معرفتی مقدمه‌ساز

ظهور*

حسین الهی نژاد^۱

مصطفی رضایی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی در دورانی شکل گرفت که عمده نظریه‌پردازان غرب و شرق قائل به افول دین و پایان عصر دین‌گرایی شده بودند. به همین جهت پدیده دینی برخاسته از نهاد دینی حوزه همواره برای آنها امری ناشناخته تلقی می‌گردد. هدف غایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، مقدمه‌سازی و ایجاد بسترهای لازم برای ظهور است که امروزه ابعاد این مسئله کمتر مورد بازشناسی و تبیین قرار می‌گیرد (مسئله) این اثر با هدف تبیین نقش انقلاب اسلامی در حوزه‌های معرفتی مقدمه‌ساز ظهور به نگارش درآمده است (هدف) روش تحقیق در این نوشتار به لحاظ گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی و به لحاظ پردازش توصیفی - تحلیلی است. (روش) یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که امام راحل در مسیر تسهیل‌گری ظهور و دست‌یابی به انقلاب اسلامی به عنوان جزء لازم از مسیر مقدمه‌سازی فرج جامعه بشری، در ابتدا به ایجاد حلقه‌های معرفتی لازم روی آوردند. این عناصر هم در شکل‌گیری انقلاب، هم در استمرار آن و همچنین در مسیر تسهیل‌گری ظهور، اموری لازم است؛ چراکه ظهور از یک منظر ملزوم شکل‌گیری بلوغ بینشی جامعه بشری برای مطالبه امام است (یافته‌ها).

واژگان کلیدی

حلقه‌های معرفتی، حکومت دینی، انقلاب اسلامی، مقدمه‌سازی ظهور.

مقدمه

قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی برخی از نظریه‌پردازان غربی، اعتقاد داشتند که به زودی لیبرالیسم غربی، سلطه خود را بر سراسر زمین تثبیت خواهد کرد و مردم جهان از مزایا و محاسن دموکراسی غربی بهره‌مند خواهند شد اما انقلاب اسلامی براساس غایت‌مندی ظهور، به مبارزه‌ای همه‌جانبه و فراگیر دست زد؛ چراکه شکل‌گیری مدینه ظهور تابع به وجود آمدن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۵

۱. استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (Hosainelahi1212@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول) (eshragh.reza1394@gmail.com).

اصلاحاتی کلان در سطح فردی و اجتماعی جامعه بود. تحقق این فرآیند نیازمند شکل‌گیری حلقه‌های بینشی در جامعه منتظر است.

از جمله آثار در این زمینه عبارتند از: ۱. انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که توسط جمعی از نویسندگان در سال ۱۳۸۷ توسط همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی، دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها به چاپ رسیده است؛ ۲. ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی اثر نفیسه فاضلی‌نیا که در سال ۱۳۸۸ توسط نشریه مشرق موعود منتشر شده است؛ ۳. نهضت امام خمینی زمینه‌ساز ظهور دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اثر محمود عرفان که در سال ۱۳۷۷ توسط مجله حضور منتشر شده است؛ ۴. زمینه‌سازی برای ظهور، آرمان انقلاب اسلامی اثر ابراهیم شفیعی‌سروستانی که در سال ۱۳۸۸ توسط مجله موعود به چاپ رسیده است؛ ۵. اهداف دولت زمینه‌ساز ظهور اثر مریم کریمی‌تبار که در سال ۱۳۸۷ توسط مجله مشرق موعود منتشر شده است. اما وجه تمایز این تحقیق نسبت به موارد یاد شده عبارتند از: ۱. در این اثر به نگرش‌های لازم در مسیر مقدمه‌ساز ظهور پرداخته شده؛ ۲. در این اثر نقش بینشی جمهوری اسلامی در فرآیند مقدمه‌ساز ظهور مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس در این تحقیق در راستای تبیین نقش جمهوری اسلامی در ایجاد بینش‌های مقدمه‌ساز ظهور بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که نقش جمهوری اسلامی در ایجاد حلقه‌های بینشی مقدمه‌ساز ظهور چیست؟

مفهوم‌شناسی

زمینه‌سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است (انوری، ۱۳۸۱ ش: ۵، ج ۳۸۷) بر این اساس، زمینه‌سازی ظهور در نگاه اولیه، به معنای مقدمه‌چینی و آمادگی برای ظهور است.

معرفت به معنای ادراک شیء همراه با تفکر و تدبیر نسبت به اثرات آن بوده که اخص از علم است و موجب تمییز شیء از غیر او خواهد شد که نشان می‌دهد عمق حاصل شده در شناخت و معرفت بیش از صرف علم است (مطهری، ۱۳۸۲ ش: ۲۱۷).

مراد از حلقه‌های بینشی در این اثر، ساز و کارهایی درونی و باوری است که فقدان آنها سبب عدم شکل‌گیری ذهنیت لازم در جامعه دینی برای حرکت به سمت ظهور و تدارک مقدمات لازم برای این بزرگ خواهد بود. بر این اساس، در راستای شکل‌گیری روح انتظار و مقدمه‌سازی ظهور، ضروری است معرفت‌های جامعه القاء و پذیرفته شود تا بتوان از آن عناصر در مسیر

شکل‌گیری ظهور استفاده نمود.

تقویت نگاه معنویت‌گرایانه در جامعه

معنویت‌گرایی سبب خواهد شد، دید جامعه نسبت به معنای زندگی و امتداد آن در جهانی دیگر تصحیح شود؛ به نوعی که مؤمنین هرگز عالم را منحصر به همین عالم مادی نمی‌دانند؛ «مؤمنان مرز جهان ماده را شکافته و خویش را از چهار دیواری آن گذرانده‌اند، آنها با این دید وسیع با جهان فوق‌العاده بزرگ‌تری ارتباط دارند در حالی که مخالفان آنها اصرار دارند انسان را همچون حیوانات در چهار دیواری جهان ماده محدود کنند و این سیر فقه‌گرایی را تمدن و پیشرفت و ترقی نام می‌نهند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۷۱).

از نظر اسلام، معنویت جدا از زندگی تعریف نخواهد شد همان‌طور که اگر روح از بدن جدا شود، هیچ نوع تعلق به زندگی دنیوی ندارد، حیات بدون معنویت هم فاقد روح و اصالت و امری بی‌هوده خواهد بود. معنویت‌گرایی حلقه‌گرایشی مردم در انتخاب انقلاب بر استمرار حکومت شاهنشاهی بود؛ چراکه چند قرن حیات اجتماعی فاقد معنویت‌گرایی، نوعی از خستگی و رویگردانی از وضع موجود را به وجود آورده بود؛ «از جمله خصوصیات انقلاب ما، یکی این است که چون بر پایه‌ی ایدئولوژی اسلامی قرار گرفته، به معنویت واقعی متکی است، نه معنویت از آن دست که حضرات پیشنهاد می‌کنند و می‌بینیم که بطلان و ورشکستگی‌اش به اثبات رسیده است. در کشورهایی که به ادعای طرفداران این نوع معنویت ساختگی، مالکیت وجود ندارد، بی‌معنویت و خودخواهی و خودپرستی همان قدر رایج است که در کشورهای طرفدار مالکیت» (مطهری، ۱۳۹۴: ش ۱۷۳).

انقلاب اسلامی ایران، فرهنگ و نگرش خاصی را در دوران جاهلیت مدرن به جهان معاصر ارائه کرد که نشان‌دهنده برنامه دین برای حیات طبیه و سعادت واقعی بود. انقلاب اسلامی برخوردار از فرهنگ و تفکر برخاسته از ایمان دینی است که از عمیق نیاز باطنی بشریت نشأت می‌گیرد و توانایی دارد که همه جوانب نیازهای مادی و معنایی بشر را تأمین نماید؛ «فرهنگ و نگرش انقلاب اسلامی درصدد برآمد تا بین کهن‌ترین معارف بشری یعنی ایمان و باور به آفریدگار هستی و پرستش و بندگی او از یک سو و جدیدترین آثار و دستاوردهای علوم و تمدن بشری در عرصه‌های مختلف از سوی دیگر پیوندی منطقی و اصولی برقرار سازد و ضمن پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های متغیر و بیرونی انسان، از شاخصه‌ها و نیازهای ثابت و درونی آدمی نیز غافل نشود» (همان: ۱۲۲).

در همین چارچوب، معنویت‌گرایی جمهوری اسلامی در عصر اضمحلال معناگرایی و ایمان، زیرساخت‌سازی برای تحقق دوران ظهور خواهد بود؛ با تحقق حکومت واحد الهی، فرقه‌هایی که تا آن دوران توانسته بودند با جذب قلب‌های مستضعف در میان جوامع، ریشه‌دار شوند، کنار گذاشته خواهند شد تا حکومتی واحد بر تمام عالم حکم فرما شود و پیروان ادیان با مشاهده ولی خداوند و خصائص فرابشری ایشان، در زمره این دین درآمده تا پس از دوران بعثت، دین اسلام به نحو جامع اجرا گردد و مظاهر کفر و شرک از هستی زدوده شود؛ «جریان تحقق ایمان و معنویت‌گرایی در دوران ظهور به حقیقت جامع خود خواهد رسید و احیای آئین توحید و یکتاپرستی (اسلام)، نابودی آئین‌های انحرافی و باطل، تأسیس حکومت جهانی اسلام و در دست گرفتن حاکمیت جهان؛ از مهم‌ترین اهداف این حکومت است» (کارگر، ۱۳۸۹: ش: ۲۴۲).

ویژگی منحصر به فرد انقلاب اسلامی که آن را از سایر انقلاب‌ها ممتاز می‌سازد، همانا پیروی از حرکت انبیای الهی است که جزء لازم در مسیر تسهیل‌گری ظهور محسوب می‌شود؛ «مهم‌ترین ویژگی حرکت انبیاء، و به تبع آن انقلاب اسلامی ایران، توجه دادن انسان به ابعاد معنوی اوست. همین ویژگی است که این حرکت را نسبت به حرکت‌های دیگر به طور کامل متمایز می‌سازد و انسانیت انسان را مورد توجه قرار می‌دهد» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: ش: ۹۴). در حقیقت جریان جمهوری اسلامی، در امتداد حرکات انبیاء الهی برای تشکیل حلقه معرفتی و معناگرایی کلان در جامعه بشری بود، عنصری که از بایسته‌های تحقق جامعه مهدوی و شکل‌گیری اضطرار لازم جهت تشکیل مدینه ظهور است.

بر این اساس، از جمله نقاط تمایز انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها، در عنصر ایمان و معنویت خواهی بود، این عنصر در دوران قبل از ظهور، از جمله محرک‌های جامعه بشری برای اضطرار به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیک و تمهید شرائط لازم جهت ظهور است. قبل از ظهور مردم بدین جزم خواهند رسید که قیام در جهت مشکل نان و معاش، اکسیر درمانگر معضلات بشری نیست بلکه وجود منجی محقق‌کننده معناگرایی و ایمان در سرتاسر هستی، بشر را وضعیت سردرگمی فعلی نجات خواهد داد. لذا انقلاب اسلامی نقطه انفجار و شکل‌گیری قیام‌های معناگرایانه متکی به معرفت ایمانی بود که تحقق آن یکی از شروط لازم برای تحقق اقبال معنویت خواهانه قبل از ظهور است.

احیای تفکر مبارزه با ظلم و نظام سلطه

در دوران قبل از ظهور، عقول به تکاملی بیش از گذشته نزدیک خواهند شد و به سبب

توسعه پیدا کردن معرفت و حوزه شناختی در میان مؤمنین، نظام سلطه برای قلوب همانند گذشته قابل پذیرش نخواهد بود؛ «بدان که زمان ظهور دولت آن جناب - که زمان ظاهر شدن دولت ثانیه حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است، از روی باطنی آن که مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری که آن مقام نبوت است» (فراستی، ۱۳۸۱ ش: ج ۱، ۷۸). در این دوران، اسارت فکری و قلبی بشر که تا قبل از آن به خاطر تبعیت از هوای نفس و گرایش به تعلقات مادی، به عنوان اهرم سوءاستفاده نظام سلطه به کار گرفته می شد، به پایان خود نزدیک خواهد شد و منافع جبهه استکباری عالم با خطرات جدی روبه رو خواهد شد.

پوشیده نیست که روح سلطه ستیز امام راحل و روحیه انقلاب گری او، سبب شد تا ارزش های و آرمان های انقلابی ایران به جهانیان انعکاس پیدا کند تا جایی که در حیات خلوت آمریکا نیز به دنبال شعارهای اصیل انقلاب همانند نفی سلطه گری و حفظ تمامیت ارضی کشورها، دفاع از حقوق همه مسلمانان و نیز عدم تعهد در برابر قدرت های مستکبر، موجی از مبارزه با جبهه استکباری و نظام سلطه جهانی به راه افتاد؛ «انقلاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، حرکتی جهانی است و یاورانی در سطح جهانی می طلبد که پذیرا و پشتیبان آن باشند. بی شک پرورش چنین یاورانی به زمینه سازی جهانی نیاز دارد. در جهان کنونی که نظام حاکمیت سرمایه در بسط و تسلط خویش بر منابع و امکانات مادی و انسانی جهان، نظامی هرمی شکل را سامان داده که در رأس آن، سرمایه داران عمدتاً صهیونیست قرار دارند و دیگر ملت های دنیا در قاعده این هرم، سنگینی و گرانی رأس هرم را تحمل کرده اند» (کارگر، ۱۳۹۲ ش: ۶۵).

امروزه ارزش ها به ضدا ارزش تبدیل شده و ضدا ارزش ها بر کرسی سنجش تکیه زده و معیار اندازه گیری و تحلیل محسوب می شود. در چنین حالتی، ترازوها در مناسبات اجتماعی بشر به خطا خواهد رفت و تشخیص و سنجش خوبی ها و بدی ها به نحوی وارونه رخ می دهد. در دوره متصل به ظهور، مردم آرزوی شکل گیری حکومت و ظهور منجی ای را دارند که آنها را از گرداب مناسبات مادی و انحرافات سنجشی نجات دهد. با شکل گیری ظهور، در ابتدا معیارها اصلاح خواهد شد و ارزش ها و ضدا ارزش ها به جایگاه حقیقی خود باز خواهند گشت تا برداشت ها و انتظارات از عدل نیز اصلاح گردد. پس از اصلاح این بافت، جامعه به درک صحیحی از فرد جائر و انسان مصلح خواهد رسید و خود، با انتخاب و اراده خود پایگاهی برای شکل گیری و توسعه فراگیر نهضت امام عدل می گردد. زیباشناسی متحول شده مردم، در این بستر به دنبال اصلاح انحرافات و انحطاطات خواهد رفت تا تاریکی مطلق حاکم بر زمین زوده شود؛ «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور

انقلاب مان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه هموار می‌کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ش: ج ۲، ۳۴۵).

در این میان، اضمحلال استبداد و نظام سلطه، نیازمند به شکل‌گیری تمهیداتی جهت فرهنگ‌سازی مبارزه با ظلم در میان بشریت است که انقلاب اسلامی، گام کلیدی‌ای در این مسیر برداشت و با مبارزه با ظلم جهانی، این تفکر را احیاء نمود که می‌توان در برابر جبهه استکباری عالم بدون پشتوانه و امکانات وسیع مادی و مالی، قیام نمود همان‌گونه که در دوران ظهور، جهان به چنین باوری نیازمند است تا بتواند از حیث نگرشی و تئوریک بپذیرد که غلبه کامل بر جبهه ظلم در دنیا، به واسطه امام عصر عجل الله تعالی فرجه، امری میسر است والا هیچ قدمی در همراهی حضرت به حرکت در نخواهد آمد و هیچ قلبی، آمادگی همراهی با آن امام را نخواهد داشت.

شکل‌گیری بینش کارآیی دین

نظام تفکری و مدیریتی غرب با تکیه بر نسانس و پس از آن مدرنیسم، به دنبال تعریف نقش حداقلی برای دین در سطوح مختلف زندگی بود و این دیدگاه را توسط نظریه‌پردازان خود روز به روز در اذهان جهانیان پرورش می‌داد که نسخه نجات‌بخش زندگی بشری انحصار در عالم ماده و نفی غیب است و هر نوع هدف‌گذاری دینی و معنویت خواه، با شکست مواجه خواهد شد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و زیر سؤال رفتن معادلات و محاسبات سیاسی آنها، این رویکرد جدید شکل گرفت که انقلاب ایران نمی‌تواند بیشتر از مدت زمانی محدود روی پای خود بایستد و به ناچار به وضعیت گذشته بازخواهد گشت اما گسترش روزافزون انقلاب در سطوح مختلف، این زنگ خطر را برای آنها به صدا درآورد که پژوهشکده‌های آنها را معطوف به علل ماندگاری انقلاب ایران نمود.

از جمله ویژگی‌های دور از انتظار انقلاب اسلامی برای غرب و حتی جهان اسلام، احیای افکار و اندیشه‌های دین اسلام در سراسر جهان بود. تلاش و برنامه‌های غرب تا آن روز صرف این فرآیند شده بود که بینش و ریشه‌های اسلام در جوامع مختلف خشکانده شود و تا حد ممکن مفاهیم و آموزه‌های آن تقلیل یابد تا جایی که در یک پروسه تدریجی، نقش دین در زندگی بشریت به حداقل ممکن برسد؛ «اسلامی که به زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی

بازگشته و به جریان افتاده بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده است» (محمدی، ۱۳۹۵ش: ۶۸).

در این میان نقش امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان نظریه پرداز و احیاگر تفکر دینی از انظار دور نماند و جمله جامعه شناسان و اندیشمندان غرب و شرق بدین نتیجه واقف گشتند که آنچه اصلاحگران و تجدیدطلبان تا امروز از آن سخن گفته اند، امام خمینی رحمته الله علیه در صحنه عملیاتی به اجرا درآورده است؛ «پیروزی انقلاب اسلامی چون داروی شفابخشی موجب احیای افکار و اندیشه های اسلامی در سراسر جهان گردید و موجب افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید، به طوری که از حالت تدافعی درآمده و حالت تهاجمی به خود گرفته است» (همان: ۷۰).

از آن جا که تنها دینی که برای تمام شئون انسان ها، اعم از شئون فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی، برنامه دارد، اسلام است، تنها انقلابی نیز که قادر است که به نیازها و مشکلات بشری در سطوح مختلف پاسخ دهد، انقلابی مبتنی بر اسلام است. انقلاب اسلامی با تکیه بر دین، حرکت خود را آغاز نمود و با تکیه بر تعالیم دین به پیروزی رسید و در رابطه ای متقابل، بینش کارآیی دین و زنده بودن آن را به اثبات رساند؛ «به همین دلیل، ترویج و اشاعه بینش ها و ارزش های اسلامی که هم صحیح و مطابق واقعند و هم آمادگی شگرفی برای ایثار، فداکاری و جان فشانی در مردم پدید می آورند، از جمله برنامه های رهبران این انقلاب است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ش: ۸۸).

در حقیقت دین ظرفیت جهان شمولی دارد که نمودی محدود از آن در عصر ادعای زوال دین، توسط جمهوری اسلامی به جهان نشان داده شد اما اوج کارآیی دین و حقیقت کلمه دین در عصر ظهور محقق خواهد شد. شکل گیری جمهوری اسلامی، نگاه مایوسانه و خمود دنیا به نقش دین در زندگی را از بین برد و تعریفی کارا از دین در صحنه عملیاتی ارائه نمود تا ذهنیت و ادراک جامعه جهانی که با تعالیم مدرنیسم به سمت مرگ دین در حرکت بود اصلاح شود؛ «امام خمینی رحمته الله علیه با طرح ابعاد واقعی اسلام، مسلمانان را سیاسی کرده و اندیشه و تفکر سیاسی را در میان مسلمانان ایجاد کرده و بسط داده و در پناه این تلاش ها مسلمانان اکنون دریافته اند که اسلام تنها یک سلسله تشریفات و مناسک عبادی شخصی نیست؛ بلکه اسلام، قرآن و سنت پیامبر، یک منبع قوی و پرتحرک است که می تواند در زمینه های مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی تحرک ایجاد کند» (هوبر، ۱۳۶۹ش: ۷). گفتمان امام راحل، در طول کارآیی دین

ارائه شد که بخشی از نمود آن با تشکیل حکومت دینی و حرکت به سمت نظام‌سازی دینی در عرصه‌های مختلف جامعه به دیگر جوامع ارائه شد. حرکت انقلاب اسلامی که در راستای اتصال به کاربرد حقیقی و نهایی دین در عصر ظهور شکل گرفته است، با تکیه بر کارا بودن دین تحقق پیدا کرد و ظرفیت فائق آمدن بر نظام مادی جهان در جنگی سراسری را از متن تعالیم دین اخذ نمود که در ادامه مسیر خود نیازمند به امتداد این حرکت است.

حرکت انقلاب اسلامی برگرفته از تعالیم دین بوده و خود یکی از ظرفیت‌های وسیع دین را نشان می‌دهد، در این مسیر، انقلاب ما حرکتی را جهت بسترسازی تشکیل نقطه‌ای امن و مصونیت بخش برای مؤمنین در دوران هجوم همه‌جانبه تمدن غربی آغاز نموده و هرچند در این مسیر با مشکلاتی روبه‌رو بوده و هست، اما می‌تواند پناهگاهی معنوی برای التجاء از نهضت پیچیده غربی باشد که شاخ و برگ دنیاخواهی آن در ابعاد مختلف، انسان و حیات او را درگیر نموده است. پناه بردن به این نهضت شکل گرفته، خروجی‌های مقدسی تاکنون داشته که سلوک معنوی وسیع هزاران هزار شهید ذیل سایه آن، بخشی از ارمغان‌های معنوی و توحیدی آن به شمار می‌رود.

ظرفیت ارائه شده دین توسط انقلاب اسلامی، سبب التفات هرچه بیشتر جامعه ایران، مسلمین و حتی دیگر ادیان به کارکردهای دین شد و این اعتقاد را به وجود آورد که دین می‌تواند در مناسبات اجتماعی و نظامات مختلف حیات بشری، نقش‌هایی اساسی ایفاء کند. از نگاه تعریفی حداقلی از دین ارائه نمی‌دهد و معتقد است با احیاء هرچه بیشتر دین در صحنه‌های اجتماعی، بسترهای بیشتری برای تحقق امر ظهور به وجود خواهد آمد. این نگاه، پدیده‌ای لازم در مسیر تسهیل‌گری ظهور است؛ چراکه تا وقتی یک جامعه دین را سبب گشایش و فرج خود در شئون مختلف نداند، برای عصر حاکمیت دین (ظهور) تدارکی نخواهد دید.

نهادینه‌سازی نگرش ناکارآمدی نظام مادی

پس از شکل‌گیری دورانی جدید در غرب و سرایت اندیشه رنسانسی، شاهد صف‌بندی‌های جدیدی در برابر مسئله دین‌گرایی در دنیا بودیم که به خاطر دوران سیاه کلیسا، تفتیش عقائد و مقابله با علم، به حداکثر خود رسیده بود. در دوران کلیسا، دین حقیقی جای خود را به انحراف و خرافات داده بود و فطرت بشریت در غرب، چنین دینی را زمینه سعادت خود نمی‌دانست.

پندار شکل‌گرفته در این دوران بر پایان عصر دین و معنویت بود و انسان غربی بدین جزم رسیده بود که با کنار گذاشتن دین، می‌توان دوران عقب‌ماندگی را پشت سر گذاشت اما رفته-

رفته انسان عصر تکنولوژی، بدین نتیجه دست یافت که آنچه آن را آب می‌پنداشته و به دنبال رفع عطش خویشتن از آن بود، سرابی بیش نبوده و در ازای اعطای ناچیزی، هویت، خداوند، زندگی و هرآنچه برای سعادت او لازم بوده را از او بازستانده است. غرب پس از مدرنیسم کوشید تا حفره نیازهای معنوی بشر را با پست مدرنیته جبران کند، اما مشکل ریشه‌ای و از تقابل ذاتی نهضت رنسانس و فطرت انسانی نشأت می‌گرفت؛ «شیوع ناامنی در عصر پیشا ظهور، نشان - دهنده ناکارآمدی نظام‌های سیاسی است که با سوار شدن بر موج جهانی شدن، نه تنها قادر به تأمین امنیت و عدالت برای جامعه جهانی نیستند، بلکه روز به روز آتش ناامنی را برافروخته‌تر می‌کنند و این روند باعث می‌شود تا انسانی که تشنه امنیت است، به این نتیجه برسد که نظام‌های سیاسی موجود، توان برآورده کردن این نیاز ضروری را ندارند و از دولت‌ها و سردمداران سیاسی خویش قطع امید کنند و به منجی واقعی چشم امید داشته باشند و در جهت ظهور او کوشش و تلاش کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸۶).

انقلاب اسلامی نقاط ضعف و چالش‌های مدیریت مادی غرب را نشان داد و از ناکارآمدی - های نظام مادی محصول رنسانس که تا آن زمان کسی جرأت پردازش بدان را نداشت، در عرصه عملیاتی به اثبات رسانید؛ «غربیان از چند قرن پیش تاکنون، سعی در تحقیر تمدن‌های دیگر و سرانجام محو آنان دارند. تلاش‌های احیاگران تمدن اسلامی، سرانجام با ظهور شخصیت یگانه دوران و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران به ثمر نشست و با وقوع انقلاب اسلامی، دوران جدیدی با نام دوران امام خمینی آغاز شد که مختصات منحصر به فردی دارد: دوران فروپاشی تمدن مدرن و بلوک سیاسی شرق و غرب، دوران عبور از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی و...» (اشیری، ۱۳۹۳: ۴۳).

جمهوری اسلامی با روند حرکتی خود دوران افول تمدن و حاکمیت مدل زیستی غرب را بر دنیا نشان داد و نظام تمدن مادی غرب که روز به روز در حال توسعه در دنیا بود را به عقب راند. قدرت آمریکا و دولت‌های غربی پس از انقلاب اسلامی وارد روند نزولی شد و حجم تأثیرات سیاسی آنها بر وقایع جهانی تا حد قابل توجهی کاهش یافت؛ «بر همین اساس سده بیست و یکم، سده افول آمریکا و قدرت‌یابی کشورهای نو خواهد بود: چین، روسیه، هند، ایران و مصر. اروپا که در شرایط دشواری به سر می‌برد، بار دیگر ناگزیر است با سرنوشت خود روبه‌رو شود و جنگ‌هایی روی خواهد داد که تاکنون مانندشان دیده نشده است. هیچ‌کس را از رویارویی جهانی - که فروکاستگی ادعای جهان شمولی ارزش‌های غربی خواهد انجامید - گریزی نیست» (دوینوا، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

نقش جمهوری اسلامی در نهادینه سازی نگرش ناکارآمدی نظام مادی غرب در ارائه عملی پایان حاکمیت این نظام در دنیا بود. انقلاب اسلامی، نظامات گوناگون فردی و اجتماعی غرب را با چالش مواجه ساخت و اوج این درگیری در زمانی خواهد بود که انقلاب با استمرار و تعمیق حرکت خود، در عرصه نظریه پردازی و تئوری سازی نیز با این تمدن وارد درگیری و در نهایت مدل سازی شود.

این درگیری برای ارائه ناکارآمدی مدنیت غربی، اتفاقی ضروری و لازم در مسیر تسهیل گری جریان ظهور بود؛ چراکه زیست غربی در روح خود با مدنیت ظهور دارای تضاد ذاتی است، لذا در عصر ظهور نظام مادی غربی کنار گذاشته خواهد شد و جامعه بشری با نمودهای عینی شاهد ناکارآمدی و منحط بودن این نظام هستند؛ علم در این دوره، به چنان ظهوری خواهد رسید که برای تمام نظام های حیاتی انسان برنامه دارد؛ بدون این که بشر با چالش بیگانگی از خود روبه رو شود و علم او را به سمت نسیان خود فرو ببرد؛ چراکه در این دوره حقیقت دین به ظهور خواهد رسید و مردم با استکمال عقلی خود در پرتو هدایت جامع خداوند، حقایق را شهود خواهند کرد، بدین سبب که تمنیات نفسانی که مهم ترین موانع شکل گیری علم و معرفت بوده از میان خواهد رفت.

ایجاد بینش مقدمه سازی ظهور در سطح حکومت دینی

تحقق ظهور نیازمند بستر سازی فکری و عملی است تا شرایط برای انقلاب امام عصر فراهم شود؛ در این راستا انتظار سلبی و کنار نشستن و اکتفاء به دعا، نخواهد توانست بستر سازی لازم برای ظهور آن حضرت را به دنبال داشته باشد؛ «انتظار فرج این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را و جبهه همت خود نکند، انتظار حرکت است. انتظار سکون نیست. خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده بکنند. این معنای انتظار فرج است» (خامنه - ای، ۱۴۰۰ش: ۳۹۴).

اعتقاد امام بر این مسئله بود که عرصه تئوری سازی جامعه باید در اختیار روحانیت و حوزه باشد؛ چراکه قرار است انقلابی دینی با لایه های رویین و زیرین مبتنی بر تمدن نوین اسلامی و بستر ساز ظهور شکل گیرد و استنباط این منظومه کلان تنها در توان حوزه خوش فهم و دارای درک عمیق از دین است. امام به دنبال طراحی نو مبتنی بر استراتژی درگیری با جبهه مادیت در تمام شئون بود و زیرساخت های سخت آن را در موارد متعددی فراهم نمود. امام سبکی

جدید از مدیریت و راهبری را در دنیا نشان داد به میزانی که غرب نیز توقع این میزان درک سیاسی و جامع بینی از نهاد روحانیت نداشت و در برابر این پدیده غیرقابل پیش بینی برنامه-ریزی جامعی نکرده بود؛ «الگار استاد مطالعات اسلامی دانشگاه کالیفرنیا در کتاب خود به نام پیرامون انقلاب اسلامی، به طور عمیق این امر مهم را بررسی کرد و برخلاف بسیاری از تئوری پردازان انقلاب اسلامی که به عوامل دیگری از فکر شیعه اشاره کرده‌اند، ریشه‌های فکری انقلاب اسلامی را ناشی از مسئله مهدویت می‌داند» (الگار، ۱۳۸۵ ش: ۱۴۵).

تا قبل از انقلاب اسلامی، بینش لزوم حکومت دینی و ایجاد مقدمات کلان برای جریان ظهور، امری متداول نبود و نهایت دغدغه مؤمنین در مسیر ظهور، اکتفاء نمودن به مناسک عبادی فردی و دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود اما پدیده انقلاب اسلامی به رویکرد اجتماعی مقدمه‌سازی ظهور پرداخت و با کنار زدن مکاتب و ایسم‌های جهانی، به دنبال ایجاد حکومت مقدمه‌ساز افتاد؛ چراکه بدون حکومت، برای ظهور نمی‌توان تولید موج اجتماعی کلان و جریان‌سازی نمود؛ «مکاتب غربی همچون مارکسیسم و لیبرالیسم به علت محدود بودن ایده و آرمان‌های‌شان نمی‌توانند مبنای خوبی برای نظام اصلاح و دغدغه اصلی انسان معاصر باشند تا بتوانند سعادت و رفاه جامع آنان را تأمین کنند، بلکه برعکس آنها در تهی کردن انسان از حقیقت وجودی‌اش و محدود کردن انسان به امور مادی مؤثر بوده‌اند؛ چراکه به همه جوانب زندگی و ساحات وجودی انسان توجه نداشتند و فقط به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های مادی بسنده کردند» (اراکی، ۱۳۹۲ ش: ۶۷).

شکل‌گیری انتظار و جریان مقدمه‌ساز در سطح حکمرانی و استفاده حداکثری از ظرفیت انقلاب اسلامی در مصونیت بخشی به خود در برابر مدرنیسم و تولید، توسعه و نظام‌واره نمودن تمدن نوین دینی، فرصت بی‌بدیل تاریخی است و در صورت سستی و ناسپاسی این نعمت خداوند، ممکن است این فرصت تاریخی، از بین رفته و تا قرن‌ها انسان دینی و شعائر نوین او به انزوا رانده شود. در راستای بینش مقدمه‌سازی ظهور در سطح تشکیل حکومت، امام راحل همواره جایگاه مقدمه‌ساز انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دادند هرچند نقش غایتی ظهور برای انقلاب اسلامی مورد غفلت مردم و مسئولین قرار گرفته است؛ «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال

دارد) (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ش: ج ۲۱، ۱۰۸).

با شکل‌گیری حکومت دینی، بخشی از ولایت اجتماعی خداوند در ساحت کلان شکل خواهد گرفت اما نمود تام و عینی این ولایت الهیه در دوران ظهور خواهد بود که انقلاب اسلامی جهت تمهید آن دوران تشکیل شده است. بر این اساس، طراز حقیقی انقلاب اسلامی، مقدمه‌سازی تاریخی برای جریان ظهور است که به همین سبب در دوران کنونی مهم‌ترین مانع در برابر مکتب فکری غربی و مدرنیسم محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد پناهگاهی امن برای مؤمنین در دوران القاء نظریه اتمام دین بود که در حال حاضر در حال طی نمودن بستر تاریخی مقابله با جریان باطل در عالم است و با وجود موانع و کارشکنی‌های خارجی و داخلی، سرانجام با امداد و دستگیری خداوند متعال، به این مقصد دست پیدا خواهد کرد اگر شاخصه‌های ایمانی خود را از دست ندهد؛ ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم: ۴۷)؛ یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست.

بر این اساس، جریان ظهور نیازمند نیروسازی است و شکل‌گیری حاکمیت دینی این مسیر را بیش از پیش تسهیل خواهد نمود. انقلاب اسلامی در عرصه فکری و عملی، سبب ارتقاء ظرفیت‌های نسل زمان خود شد که نمودهای علنی آن در دوران دفاع مقدس مشهود بود. استمرار جریان انقلاب سبب شکل‌گیری حلقه‌های معرفتی و بیداری‌های دیگری خواهد شد که مقدمه اضطرار و مطالبه‌گری عمومی جریان ظهور در عالم فراهم خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

تنزل دادن سطح هدفی انقلاب اسلامی به موضوعات و دغدغه‌های روز، سبب دور شدن انقلاب از اهداف خود خواهد بود. مطابق با گفتمان امام راحل، جمهوری اسلامی با هدف تمهیدگری ظهور و ایجاد شرایط لازم برای وعده استخلاف اجتماعی خداوند در عالم بنیان نهاده شده اما امروزه شاهد زیرسؤال بردن انقلاب به سبب حوادث مقطعی و چالش‌هایی دوره‌ای هستیم. بر همین اساس ضروری است نسبت‌سنجی‌های جامعی در خصوص رابطه انقلاب اسلامی و پدیده ظهور ارائه گردد تا جایگاه استراتژیک انقلاب ایران در راستای تحقق مدینه فاضله ظهور بیش از پیش روشن شود.

در این اثر به نقش ایدئولوژیک و بینشی انقلاب اسلامی در ایجاد بسترهای لازم برای ظهور پرداخته شده که اهم نتایج تحقیق عبارتند از:

۱. جریان ظهور، پدیده ریشه گرفته در غیب و ماوراء ماده است، به همین سبب نمی‌توان با

نگرش مادی موجود در جامعه به استقبال آن رفت همان طور که انقلاب اسلامی کوشید تا نگاه معنویت‌گرا و ایمانی را در جامعه ایران احیاء نماید؛

۲. پدیده ظهور، با نظام سلطه و ظلم حاکم بر دنیا، به مبارزه سراسری برخواهد خواست تا استبداد به طور کامل از زمین زدوده شود، انقلاب اسلامی به همین سبب نگرش مبارزه با ظلم و عدم رکود و سستی در برابر جبهه مستکبرین عالم را با مبارزات خود در صحنه عمل به بدنه جامعه تزریق نمود؛

۳. دوران ظهور، عصر کارآیی دین در بالاترین سطح خود است، طبیعی است اگر جامعه نگاهی سلبی به کارا بودن دین داشته باشد، در مسیر ظهور و مقدمه‌سازی آن دوران گامی نخواهد برداشت، انقلاب اسلامی در صحنه عملیاتی با کنار زدن نظام‌های مادی حاکم بر دنیا، کارآمدی دین را به اثبات رساند؛

۴. با وجود نظام‌های مادی غرب و شرق که مدل‌های فکری و عینی آنها در سطوح مختلف جامعه ایران قبل از انقلاب، استقلال هویتی‌ای نسبت به درون و هویت ایمانی و دینی در کشور وجود نداشت، جمهوری اسلامی به نهادینه‌سازی نگرش جامعه در خصوص ناکارآمدی نظام مادی روی آورد؛ چراکه جامعه متمایل به فرهنگ مادی، متکی به آن خواهد بود و گامی در راستای ظهور برنخواهد داشت؛

۵. تا قبل از انقلاب اسلامی، بینش مقدمه‌سازی ظهور در عرصه فردی و در حد مناسک عبادی فردی تلقی می‌شد اما با ظهور انقلاب اسلامی، امام راحل نظریه حکمرانی در راستای ایجاد لوازم اجتماعی ظهور را پایه‌گذاری نمود و جامعه نیز بدین حقیقت دست یافت که بدون کار نظامند و اجتماعی و تشکیل حکومتی در مسیر اهداف ظهور، نمی‌توان به مقدمه‌سازی مؤثری در راستای این پدیده پرداخت.

منابع

قرآن کریم

۱. اراکی، محسن (۱۳۹۲ش)، *دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی معاصر*، قم: ادیان.
۲. اشیری، سعید (۱۳۹۳ش)، *دوران جدید عالم به روایت رهبر انقلاب*، تهران: انقلاب اسلامی.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰ش)، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: صهبها.
۵. دوینوا، آلن (۱۳۸۰ش)، *فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر*، تهران: نشر وزارت امور

خارجه.

۶. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱ش)، *تحفة الملوک*، قم: بوستان کتاب.
۷. کارگر، رحیم (۱۳۹۲ش)، *آینده پژوهشی جامعه منتظر*، تهران: مرکز تخصصی مهدویت.
۸. کارگر، رحیم (۱۳۸۹ش)، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، تهران: مرکز تخصصی مهدویت.
۹. الگار، حامد (۱۳۸۵ش)، *ایران و انقلاب اسلامی*، تهران: نی.
۱۰. محمدی، منوچهر (۱۳۹۵ش)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، *ماهیت و ویژگی های انقلاب اسلامی*، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش)، *شناخت*، تهران: صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴ش)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، *حکومت جهانی مهدی*، قم: نسل جوان.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲ش)، *صحیفه*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۷. هوبر، احمد (۱۳۶۹ش)، *دستاورد های انقلاب اسلامی در جهان امروز*، تهران: آموزش قرآن و معارف اسلامی.

